

## ساشا گیتری سینما

می‌گرفت آنطور که می‌خواست اقتضای نمود. عجب در اینجاست که مردی که ظاهرش در روی سن و با پرده سینما کف‌زدها و تحسین‌های مستردا بر می‌انگیزد کار خود را در میان بی‌بیماری و بی‌توجهی کامل عامه آغاز نمود. اما همانطور که پدرش مدیریت کارهای خود را چیده داشت ساشا مصنف و نویسنده بیس‌هاش بود.

در سال ۱۹۰۶ وقتی که بیش از ۱۷ سال نداشت اولین بیس خود را بنام «Le Page» نوشت و به‌طور اجراگراد. سه سال بعد اولین موفقیت را بعنوان مصنف و در عین حال آکتور به‌دست آورد. در سال ۱۹۰۵ از سن سینما ۱۰ سال می‌گذرد و در همین اوان نویسندگان و کمدین‌های با ارزشی سپرد این پدیده نوظهور روی می‌آوردند. لیکن ساشا گیتری با اینکه می‌خواهد اعتماد خود را بر مسائل گوناگون نشان دهد مثل این است که از این اختراع برادران لومیر بی‌خبر بوده و هنوز نیمه‌اندک و وسیله جدیدی در نمایش موجود آمده است. او در اوایل سال دیگر هم به این بی‌خبری ادامه می‌دهد. بالاخره در سال ۱۹۱۷ ساشا پایه استودیو نهاده و اولین فیلم خود را بنام «زمان عشق و حادثه» تهیه می‌نماید. او در این فیلم بعنوان آکتور و نویسنده ستارو فعالیت داشت. ولی امروزه این اثر سینمایی به‌دست فراموشی سپرده شده است. در این فیلم او چنانکه می‌خواست موفقیت حاصل نمود و مخصوصاً از شیوه دراماتیک بازبکر زینکه دل مقابل او را برعهده داشت رضایت نداشت. باین علت دو سال نسبت به سینما رویه بی‌بیماری پیش گرفت و سپس فیلمی کاملاً متفاوت با اولی ساخت بنام «هنرمندان ماه». این فیلم در حقیقت دربر تازگی از شخصیت‌های بزرگ هنری و ادبی آن عصر بود از قبیل: سارا برنارد - کلود مونه - دکاس - آنا تول فرانس و آرموند رستان. زندگی هنری و داخلی چندتن از هنرمندان معاصر نیز در این فیلم منعکس گردیده بود. کما اینکه این فیلم را دیده‌اند آن‌صحنه را فراموش نمی‌کنند که قلم موئی به‌دست لیس زانو آریه شده و هنرمند مشغول ترسیم یکی از تابلوهای معروف خویش بود. این اثر سینمایی دورنمایست از اوضاع ادبی و هنری آن‌عصر و اهمیت آن بیشتر از این لحاظ است. در ضمن وجود همین فیلم سهیم بودن ساشا گیتری را در تاریخ سینما تأمین نموده است.

لوسین گیتری (Lucien Guitry) یکی از هنرمندان وسیع‌های جاوردان تئاتر فرانسه است. او از هنرمندانیست که در آثار تکنیک و شیوه طبیعی خود معروف شده. در سال ۱۸۶۰ در پاریس تولد یافت و در سال ۱۹۲۵ چشم از جهان بست. ولی از او یادگاری برجای مانده که او هم اخیراً زندگی‌اش را به‌طور دگت.

پسر لوسین گیتری - ساشا - نیز که در سال ۱۸۸۵ در سن پترزبورگ (لنین‌گراد فعلی) به دنیا آمد چو پدرش از افتخارات تئاتر است. او از نهمین‌های بزرگ بود که با مرگش دنیای هنرهای دراماتیک یکی از فرزندان بنام خود را از دست داد.

ساشا گیتری آخرین نیروهای خود را در راه سینما مصروف داشت. البته جای تعجب است که شخصی مثل او که قبل از هر چیز فرزند تئاتر بشمار آمده در عالم سینما آثاری بوجود آورده باشد. ساشا از هنگام تولد چشم در جهان تئاتر گشود - این امر بر همه کس میرهن است. پدرش چنانکه اشاره شده بزرگترین کمدین عصر شو بود. این شخص در تمام انواع تئاتر بجز تراژدی بطور مساوی استادی و تبحر خود را نشان داد و موفقیکه خواست در حیات خویش هیچ‌کس یسنگی نداشته باشد کاملاً موفق شد و هیچ‌گونه ناکامی بطوریکه برای بسیاری از هنرمندان در سپایان عسکرشان پیش می‌آید برایش پیش نیامد.

شاید به‌نقط هنرمندان آمانور تئاتر بلکه هنرمندان حرفه‌ای هم ندانند که ساشا گیتری از جانب مادر نیز یادنیای تئاتر خویشی و نسبت داشته است. در نه روی پوتتری همسر لوسین گیتری و مادر ساشا از بازیگران کمدی بود اما باید اذعان کرد که دوره فعالیت وی در تئاتر کوتاه و بی‌رونق بوده است. باین ترتیب واضح است فرزندی که متعلق به این زوج هنرمند باشد بایستی کمدین قابل بشود.

شگفت در اینجاست که وقتی ساشا تقریباً ۵ سال داشت پدرش وی را در جنب خود در روی صحنه تئاتر معروف میشل در سن پترزبورگ به اجرای دل واداشت. بنابراین هنرمندی که اخیراً چشم از جهان فرو بست برای اولین بار بعنوان آکتور در قلمرو تئاتر وارد گردیده لیکن دل‌هایی که در شهرهای مختلف در روی صحنه‌های تئاتر چیده

در حال کار دیده نوشته است: «او برای تکنیک سینما اهمیت چندانی قائل نیست چیزی که برای من مهم است، متن است. هنگامیکه در زیر آفتاب سوزان فیلم برداران مشغول گرفتار مناظر هستند او دست بر روی چشمها می‌نهد و سراپا گوش می‌شود... بدقت گوش میدهد تا چیزی برخلاف متنی که قبلاً مینویسد است گفته نشود».

پس از اینکه میل واراده خود را مبتنی بر تفوق گفتار در سینما مستر گردانید اجازه داد چند پیس او از قبیل **پاستور** - **پدرم حق داشت** و **یک رویا** برای سینما آماده و روی پرده سینما برده شود. رفته رفته نظرات و دریاره نقش گفتار در سینما تحول یافت. بطوریکه برای عامل سخن «مصرف» دیگری پیدا کرده و در فیلم **سرگذشت یک شیاد** ساشا گیتری این عامل را بتوان مفسر بکار برد. در این فیلم اغلب این تفسیر بر تصاویر تقم داشت، این فرمول، شیوه جدیدی بوده و برای اولین بار در تاریخ پیدایش سینما بکار می‌رفت، این رویه و ابداع کم‌کم برای هنر سینما مضر واقع شد و نتوانست راهحلی برای تلقین تصویر و گفتار گردد.

بهر صورت ساشا گیتری، این شهسبت تا آنرا، از هنگام ناطق شدن سینما این راه حل را نشان داد، در باره فیلمهای او که مصنف و در آلیزاتور» و اغلب تهیه کننده آنها خودش بود همه چیز گفته شده، اما شاید کسی نداند که یک فیلم از او بنام زهر بهترین نقش را برای میشل سیمون هنریشه معروف و سالخورده فرانسوی تهیه نمود، در این فیلم ما می‌توانیم یکی از بزرگترین شاهکارهای مسخرگی تلخ و غم‌انگیز را که بوسیله میشل سیمون اجرا شده در روی پرده سینما ببینیم.

عاملی که در کارهای دراماتیک ساشا گیتری چشم می‌خورد جنبه فرح و سرگرمی آنهاست و همین عامل است که او را این هم در پاش مستنی کرده است باین جهت آثار او را نمیتوان با بیماریهای عادی سنجید برای دور آنها حس تیز خاصی لازم است.

پس از آن یک دوره دیگر کاره گیری او از سینما آغاز می‌شود که ۱۲ سال طول می‌کشد. در این مدت فعالیت ساشا گیتری در زمینه تأثیرات با ارزشی بیاد آورد زیرا در این چند سال او پیهایی معروف چون **پاستور** - **پدرم حق داشت** - **دزیره** و **موزار** را برشته تحریر در آورد و بهرورد اجرا گذاشت. برخی گفته اند که ساشا گیتری سینما را تحقیر می‌کرد. در این معنی قوری غلو شده است ولی بایستی افزود نمود که او از این وسیله نمایش چندان خوش نمی‌آمد. در حقیقت این عدم علاقه باین مناسبت بود که وی سینما را آنطور که باید نمی‌شناخت. اشباح و سایه‌هایی که در سکوت حرکت می‌کردند و در جهان واقع تحقق نمی‌توانستند یافت با روحیه دراماتیک خاص و شیوه بازی او وفق نداشتند.

بخصوص سینمای صامت مورد توجه او واقع نگردید. در هر صورت وقتی که سینما به دستگاههای ناطق مجهز شد ساشا گیتری بسوی آن بازگشت و هنگامی که «در برت فلوری» در طی مرخصی خود از هاله بود در پاریس بسر می‌برد برای فیلمی که او در این مدت کوتاه در این شهر تهیه می‌کرد بتوان ستاریست و ریالو کیست فعالیت نمود. نام این فیلم **سپید و سیاه** و هنریشه زن آن **Raimu** بود (۱۹۳۱). وقتی که سینمای ناطق بوجود آمد مارسل پانیول (در سال ۱۸۹۵ متولد شد) و پس از نوشتن چند پیس که یکی از آنها بنام توپاز در ایران اجرا گردید در سال ۱۹۳۴ یکباره دست از تأثیر شست و به سینما پرداخت که وضع مشابهی با ساشا گیتری داشت گفت:

«سینمای ناطق فرم جدید هنر دراماتیک است»  
این جمله که حقیقه برخی مسئول و موجب بوجود آمدن آنهمه آثار مبتذل در سینماست مورد تأیید ساشا قرار گرفت زیرا برای او هنریکه در سینما در طراز اول است گفتار است، در این مورد بدون دلیل نیست که در این موقع وقتی دژان دو بارونچلی «ساشا گیتری را در استودیو

## کانون فیلم و نمایش

### وابسته بهترهای زیبای کشور

کانون فیلم و نمایش که با اهتمام گروهی از هنرمندان و هنردوستان هنرهای نمایشی

تاسیس شده از اردیبهشت سال ۱۳۳۷ فعالیت نمایشی خود را شروع می‌نماید

کانون فیلم و نمایش برای ترویج هنر صحیح سینما و سایر رشته‌های نمایشی و همچنین معرفی فیلمهای با ارزش و اجرای پیس‌هایی از آثار درام اوپسان و استادان بزرگ جهان برنامه‌هایی اجرای مینماید و در این برنامه‌ها آثاری که نمایش داده میشود مورد انتقاد و معرفی واقع میگردد. هیئت مدیره این کانون عبارتند از خانم ویکتوریا بهرامی و آقایان جلیل‌ارد کانی، عنوجهر

انور - ناصر خدایار - حسن شیروانی. تورج فرازمند، فرخ غفاری. زد کترها کوییان

این کانون برای آنکه بتواند آثار بزرگ سینمایی جهان (گذشته و حال) را برای دوست‌دازان و علاقمندان به هنر سینما به معرض نمایش گذارد بچند سازمان بین‌المللی سینمایی وابسته گردیده و از این رو فیلم‌هایی را که شایسته نمایش در کلوب‌های سینما میباشد در اختیار دارد و در آینده آنها را به نمایش خواهد گذارد

کانون فیلم و نمایش برای آنکه بتواند خدمتی در این راه انجام داده باشد عده معدودی

عضو میپذیرد که آن اشخاص میتوانند در فعالیت‌های مداوم کانون شرکت نمایند